

پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی

جمعه ۴ تیر ۱۳۹۰ - ۲۴ ژوئن ۲۰۱۱

گردآوری و ترجمه ناهید جعفرپور

ایران نباید قدرت اتمی بشود. در این باره در افکار عمومی غرب هم توافق وجود دارد. حتی روسیه و چین هم بارها این مسئله را تاکید نموده اند. در این باره در جامعه بین الملل و آژانس انرژی اتمی هم اختلاف نظری وجود ندارد.

قدرت های هسته ای که در زمان وضع پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی آژانس بین المللی در سال ۱۹۷۰ عضو آژانس بودند و پیمان را امضا نمودند عبارتند از آمریکا، روسیه، بریتانیای کبیر، فرانسه و چین. اما کشورهای که هرگز به این پیمان نپیوستند کشورهای اسرائیل، هند و پاکستان می باشند. کشور کره شمالی در سال ۲۰۰۳ از زیر پیمان خارج شد.

هنوز هم معلوم نیست که کشورهای دیگری بجز این ۹ کشور صاحب تسلیحات هسته ای نخواهند به جمع کشورهای قدرت اتمی بپیوندند و بدینوسیله خطرات اتمی را در جهان از نو گسترش دهند. چه خطراتی در مرحله نخست قرار گرفته اند؟

اولا - انفجارها در تاسیسات اتمی برای مناطقی که این تاسیسات در آن قرار دارند منهدم کننده بوده و نسل ها پیامدهای نابود کننده را به همراه خواهند آورد. برای مثال می توان از هیروشیما و ناکازاکی و همچنین بیکینی - آتول نام برد. کارشناس اتمی جان اتان شل همین اخیرا در نتیجه یک بررسی جدید نشان داده است که تنها استفاده از ۱۰۰ اسلحه اتمی در یک جنگ میان پاکستان و هندوستان می تواند در سرتاسر جهان یک زمستان اتمی را بگستراند. زیرا که شهرها به آتش کشیده می شوند و ابرهای متشکل از خاکستر اتمی جلوی خورشید را سد خواهند نمود و در نتیجه زمستان بر زمین حکم فرما می شود. (۱)

تهدیدات اتمی میان هندوستان و پاکستان که تا کنون جنگ های بیشماری بر علیه یکدیگر نموده اند، همچنین در سال ۲۰۰۲ در جنگ کشمیر مرتبا بکار گرفته می شد.

دوم اینکه ریسک استفاده از تسلیحات هسته ای و یا بهتر بگوئیم ریسک جنگ اتمی با وجود تعداد زیاد قدرت های اتمی در جهان روز بروز بیشتر می شود.

حتی مناقشه دوقطبی در طول جنگ سرد که بسیار روشن بود و نسبتا با ثبات بنظر می رسید، با وجود بارها و بارها تکرار اما جهان را به آستانه دوزخ هسته ای (بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲، آلام کاذب در سیستم هشدار دهنده شوروی در سال ۱۹۸۳) نکشید.

کارشناسان آمریکائی اخیرا در "گزارش امورخارجی" برای زمانی که ایران تسلیحات اتمی تولید نماید، با توجه به دشمنی میان

اسرائیل/ایران در باره امکان حمله هسته ای توسط اسرائیل گزارش داده اند. در کنار دلائل بیشمار همچنین به این خاطر که گسترش قلمرو ارضی اسرائیل کوچک است و در نتیجه حتی یک انفجار کوچک اتمی در قلمرو آنها همه چیز نابود خواهد شد.

نویسندگان بررسی فوق تاکید دارند که حمله پیش گیرانه عنصری ریشه ای در فرهنگ استراتژیک اسرائیل است. (مصر 1956 و 1967، عراق 1981 و سوریه 2007) به گفته این نویسندگان: " آنچه‌ی که به ایران مسلح به سلاح هسته ای برمی گردد، در یک شرایط جنگی با توجه به امکان یک حمله پیشگیرانه از سوی اسرائیل، ایران هم تلاش می کند پیش دستی کند و اولین حمله را قبل از اسرائیل انجام دهد زیرا که ایران در برابر این معضل قرار می گیرد که " یا از سلاح هسته ای اش استفاده کند و یا آنرا از دست بدهد). (2)

سوم اینکه ظهور قدرت های جدید هسته ای خطر رقابت های هسته ای منطقه ای را در خود حمل می کند و با توجه به تحولات در شبه قاره هند دیگر تنها یک فرضیه نظری نخواهد بود. در صورت یک ایران با تسلیحات اتمی کارشناسان اشاره به رقبای مدتهای مدید ایران در منطقه که در ردیف اول عربستان سعودی قرار دارد تاکید دارند. در عربستان سعودی حاکمین ده ها موشک برد بالستیک از نوع CSS - 2 از چین خریداری نموده اند که برای استفاده در حملات نظامی به اندازه کافی دقیق نیستند اما دارای کلاهک های متعارف بوده و می توانند تقویت هسته ای بشوند. کلاهک های اتمی را عربستان نباید خود تولید کند و آنرا می تواند تحت شرایطی از پاکستان هم خریداری نماید. هر دو این کشورها (پاکستان/عربستان) سال های طولانی است که همکاری های مشترک دارند.

چهارم اینکه با تکثیر هر ماده ضروری برای تسلیحات هسته ای چون حامل و دانش لازم همچنین خطر دسترسی گروه های تروریستی به آن افزوده می شود که این خود خطر دیگر گسترش هسته ای است. در این باره جان اتان شل می گوید که " این در طبیعت پیشرفت های علمی قرار دارد که تکنولوژی به مرور زمان در دسترس همه قرار می گیرد". در لحظه ای که تکنولوژی هسته ای در دسترس عوامل غیر دولتی قرار بگیرند، دیگر چاره ای برای آن نیست. (3) و شاید بزودی زمانی که یک قدرت اتمی دچار درگیری های اجتماعی شود و دولتش در حال سقوط باشد (مثل پاکستان در حال حاضر). اگر که تسلیحات اتمی در اختیار تروریست ها قرار گیرد، بیم این می رود که آنها از آن بعنوان تنها یک عامل ترس استفاده نکنند بلکه واقعا آنرا بکار گیرند.

پنجم اینکه آژانس انرژی اتمی در سال 2005 اخطار داد که بدون پیشرفت های لازم در خلع سلاح اتمی باید حساب شود که بین 20 تا 30 کشور دیگر در فاصله 10 تا 20 سال آینده از توانائی تکنیکی برخوردار شوند که بتوانند در عرض چند هفته به برنامه اتمی دست یابند. (4) شاید این تشخیص اوراق باشد اما امکان دارد که کشورهایی چون برزیل، آرژانتین و آفریقای جنوبی جاه طلبی های قدیمی هسته ای

و برنامه اتمی خویش را مجدداً فعال سازند و یا از سطوح علمی، فنی و صنعتی استفاده کنند تا تسلیحات اتمی تولید کنند (کره جنوبی و دیگران). برزیل همچنان از امضای پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی خود داری کرده است بطوری که آژانس انرژی اتمی بدون اینکه اعلام کند بازرسی نا محدود را مقرر نمود.

با این پیش زمینه نه تنها ایران اجازه ندارد قدرت اتمی گردد بلکه بخاطر حفظ امنیت های پایه ای بشریت به هیچ وجه کشور دیگری هم نباید قدرت اتمی گردد و باید هدف مقدم، جهانی عاری از تسلیحات اتمی باشد. در هر حال بیلان تا کنونی تلاش های بین المللی برای اجرای پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی بما هیچ دلیلی برای خوش بینی نمی دهد که بتواند در زمانی مشخص و یا اصولاً زمانی این کار انجام شود. اگر چه آنها موفق شدند برخی از کشورهای توسعه یافته را به تن دادن به امضای پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی بکشانند (آرژانتین، برزیل، آفریقا جنوبی و لیبی) و در دو مورد دیگر، اسرائیل از طریق بمب باران (ضد قوانین بین المللی) تاسیسات اتمی را که شاید برای توسعه تسلیحات اتمی بکار می رفت منهدم نمود (عراق، سوریه)، اما با این وجود تعداد قدرت های هسته ای تقریباً از سال 1970 دو برابر شده است.

آژانس بین المللی به این تصمیم رسید که نه تنها کشورهایی که قدرت اتمی نیستند باید به این پیمان تن دهند بلکه قدرت های اتمی هم موظف شوند که مذاکراتی را انجام دهند تا اقدامات موثر برای پایان دادن به رقابت های تسلیحاتی اتمی در آینده نزدیک و همچنین تنظیم قراری برای خلع سلاح کامل اتمی انجام پذیرد.

(NPT, Art. VI)

در باره این وظایف تا کنون آمریکا و روسیه بطوری محدود اقدام نموده اند و در مورد تسلیحات برد متوسط اروپا با وجود اینکه قرار بر تقلیل این محصولات بوده اما همچنان کلاهدک های اتمی جدید و سایر تسلیحات مدرنتر تولید گردیده است. در آمریکا در حال حاضر پروسه های در حال انجام در سرتاسر طیف کامل سیستم های استراتژیک سه گانه (زمین، دریا و هوا سیستم های مبتنی بر آن) می باشند. در روسیه همچنان بخاطر دلائل اقتصادی - در بعدی محدود این کار انجام می پذیرد و این مسئله به افقی دیرتر سپرده شده است. بدین صورت در ایالات متحده آمریکا نسل بعدی زیر دریایی های حامل کلاهدک های هسته ای در برنامه ریزی پشتیبانی نظامی قرار گرفته است که در سال 2029 تولید خواهد شد. همچنین بریتانیا و فرانسه و چین هم در رابطه با تصمیمات آژانس همچنان اقداماتی را که جدی باشد انجام نداده اند.

در حاشیه کنفرانس ماه نوامبر 2010 سران ناتو در لیزابون رئیس جمهور فرانسه سرکوزی اعلام نمود که کشور وی هرگز از تولید تسلیحات هسته ای دست بر نخواهد داشت. بنا براین آژانس هم خود تا کنون تلاشی جدی برای اینکه قدرت های اتمی به تصمیمات آژانس تن دهند انجام نداده است و در حقیقت به حفظ قدرت هسته ای آنها کمک نموده

است. بنا براین قدرت های اتمی هم تا کنون تصمیمات آژانس را خدجه دار نموده اند. تصمیماتی که آنها را موظف می سازد که نه تنها خود از تولید مجدد تسلیحات اتمی دست بردارند بلکه کشورهایی هم که به این کار مبادرت می کنند (تولید تسلیحات و کلاهک های اتمی) را پشتیبانی نکنند.
(NPT, Art. I)

این خود کافی نیست که پنج قدرت هسته ای و همچنین چهار قدرت دیگر که از سال 1970 وارد صحنه بین المللی شده اند هیچ کدام تا کنون اقدام پیگیرانه ای به منظور جلوگیری از دستیابی به سلاح های هسته ای توسط اسرائیل، هند، پاکستان و کره شمالی نکرده اند. بلکه در عوض بطور مستقیم یا غیر مستقیم از این کشورها پشتیبانی هم نموده اند. درست بمانند پشتیبانی فرانسه از اسرائیل و پشتیبانی چین از کره شمالی و پاکستان و یا پشتیبانی آمریکا در مقابل هند.

بنا براین روز بروز این سؤال وجود دارد که توانائی کشوری مثل ایران برای دستیابی به تسلیحات اتمی تا چه حد قرار گرفته است؟ گزارشاتی هم که در رسانه ها بر مبنی گزارشات سرویس های امنیتی و اطلاعات مشابه انجام پذیرفته اند نتوانسته اند به اندازه کافی پاسخ به این سؤال باشند: آپریل 2007 روزنامه دی ولت " ایران تا سال 2011 قدرت اتمی خواهد بود" یا روزنامه اشپیگل جولای 2009 " تست اتمی توسط ایران در سال 2010" و یا زود دویچه سایتونگ فوریه 2010 " ایران شرایط لازم برای تولید کلاهک اتمی را داراست" و یا روزنامه فوکوس فوریه 2011 " دو سال تا تولید بمب اتم در ایران" و.....

در حالی که برای بمب های هسته ای "کثیف" تنها مواد با رادیو اکتیو بالا لازم است در دسامبر 2010 تهران اعلام کرد، در حال حاضر کنترل تمام چرخه تولید سوخت هسته ای (تولید کک زرد و اورانیوم متمرکز) در دست های دانشمندان ایرانی است". بدین صورت ایران می تواند از مواد لازم برای تهیه کلاهک های اتمی برخوردار باشد. کلاهک هایی که در هیروشیما و ناکازاکی بکار گرفته شدند و باعث فاجعه شدند.

اگون باهرس در روزنامه " بلتشن" می نویسد از آنجا که غیر قابل تصور است که دولت ها از طریق ممنوعیت های شدید بین المللی دست از اقدامات خود در رابطه با تولید تسلیحات اتمی بردارند تا بتوان بدین طریق از یک فاجعه غیر قابل کنترل به موقع جلوگیری نمود، امید است که بزودی فجایع کافی پدیدار شوند تا باعث فشار کافی به این دولت ها برای دست یازیدن به اقدامات موثر در این رابطه گردند.

(1) - Der Spiegel, 13/2011

(2) (2) Edelman, E. S. / Krepinevich jr., A. F. / Montgomery, -

E. B.: The Dangers of a Nuclear Iran. The Limits of Containment, in: Foreign Affairs, Jan - Feb 2011

.Der Spiegel, a.a.0 – (3)(3)
Frankfurter Rundschau, 04.08.2005 -(4)
Egon Bahrs
Blättchen-Augabe